# فاجعه ۱۳ کشته در تصادف اتوبوس تهران - اصفهان

**برخورد مرگبار یک دستگاه اتوبوس اسکانیا با گاردریل میانی آزادراه نطنز و ورود آن به لاین مخالف به فاجعه‌ای خونین انجامید، حادثه‌ای که ۱۳ کشته و چندین مصدوم برجا گذاشته و ابعاد آن همچنان زیر ذره‌بین پلیس و دستگاه‌های امدادی قرار دارد.**

ساعت ۲۲:۲۰ شامگاه یکشنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴، یک دستگاه اتوبوس اسکانیا متعلق به شرکت مسافربری «رویال‌سفر اصفهان» که از پایانه کاوه اصفهان به مقصد مشهد در حال حرکت بود، در مسیر جنوب به شمال آزادراه نطنز و محدوده گردنه نیه دچار سانحه شد. براساس اعلام رئیس پلیس‌راه راهور فراجا، این اتوبوس پس از برخورد با گاردریل‌های میانی آزادراه، از مسیر خود منحرف و وارد لاین مخالف شد و با یک دستگاه سواری پژو تاکسی برخورد کرد. شدت حادثه به حدی بود که در همان دقایق اولیه چندین نفر جان خود را از دست دادند. سردار حسن مؤمنی با تأکید بر نقش ایمنی راه در این حادثه اظهار کرد: یکی از موضوعات مهم در این محور، سهم راه است. پیش‌تر مصوبه‌ای وجود داشته و به شرکت آزادراه‌ها نیز ابلاغ شده بود که در این مسیر باید نیوجرسی نصب شود. از چند سال گذشته مکاتبات متعددی با دستگاه‌های مربوطه انجام شده، اما متأسفانه این مصوبه اجرایی نشده است.

در پی این سانحه، تیم‌های اورژانس ۱۱۵، هلال‌احمر و اتوبوس آمبولانس به محل اعزام شدند و بیمارستان‌های نطنز، شاهین‌شهر و اصفهان به حالت آماده‌باش درآمدند. مصدومان برای دریافت خدمات درمانی به مراکز درمانی منتقل شدند. طبق آخرین گزارش‌ها، شمار جانباختگان این حادثه به ۱۳ نفر رسیده و تعدادی نیز مصدوم شده‌اند. بررسی دقیق علت حادثه از جمله نقش ایمنی مسیر و احتمال قصور عوامل مرتبط، در دستور کار کارشناسان پلیس‌راه قرار دارد و نتایج نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

# ۴ دهه رهاشدگی اتباع افغان و هزینه‌ای که جامعه می‌پردازد

■ **حسین فصیحی**

**حضور میلیون‌ها تبعه افغانستانی در ایران پس از چهار دهه، دیگر یک موضوع صرفاً انسانی یا همسایگی نیست، بلکه به بحرانی چندلایه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی بدل شده است. بحرانی که ریشه آن، نه در مهاجرت که در «رهاشدگی قانون» است. واقعیتی که حالا حتی مقامات رسمی وزارت کشور نیز با دادن آمارهای بی‌سابقه از طرد اتباع غیرمجاز، ناخواسته به عمق آن اذعان می‌کنند.**

مهاجرت اتباع افغانستانی به ایران، پدیده‌ای تازه یا ناگهانی نیست. این جریان طی بیش از چهار دهه، همزمان با تحولات سیاسی، جنگ، ناامنی و فروپاشی ساختارهای حکمرانی در کشور همسایه به‌تدریج شکل گرفت و گسترش یافت. در سال‌های ابتدایی، پذیرش این جمعیت با منطق انسان‌دوستی، همزبانی و حسن همجواری توجیه می‌شد، اما آنچه این میزبانی را به بحران تبدیل کرد، نه «پذیرش مهاجر»، بلکه «پذیرش بی‌قانون مهاجر» بود.

**■ زیست غیرمجاز**

آسیب‌ها از جایی آغاز شد که زیست غیرمجاز به یک وضعیت عادی و حتی پذیرفته شده بدل شد. فقدان راستی‌آزمایی، نبود اردوگاه‌های استاندارد مرزی، تمدیدهای مکرر برگه‌های سرشماری و تعلیق تصمیمات سخت، موجب شد میلیون‌ها نفر بدون هویت شفاف، بدون تعهد حقوقی و بدون نظارت مؤثر در متن جامعه مستقر شوند. نتیجه این روند، فشاری فزاینده بر منابع عمومی بود؛ از آموزش و درمان گرفته تا یارانه‌ها، خدمات شهری و زیرساخت‌های اجتماعی.

**■ رهاشدگی نیروی کار**

در شرایطی که جامعه ایران با مشکلات اقتصادی، بیکاری و کاهش رفاه دست‌وپنجه نرم می‌کند، بلعیده شدن سرانه‌های عمومی توسط جمعیتی فاقد وضعیت اقامتی روشن به یکی از محورهای اصلی نارضایتی اجتماعی بدل شد. این فشار تنها اقتصادی نبود، بلکه به‌تدریج و با شکل‌گیری بازار گسترده نیروی کار ارزان، ساختار اشتغال نیز دچار اختلال شد. طی سال‌ها بخش بزرگی از مشاغل خدماتی، ساختمانی و سخت، عملاً در اختیار اتباع افغانستانی قرار گرفت و همین امر باعث شد نیروی کار جوان ایرانی نه از سر بی‌میلی به کار، بلکه به‌دلیل نابرابری ساختاری و دستمزدهای شکسته شده از این حوزه‌ها فاصله بگیرد.

**■ پذیرش جمعیت بدون کنترل**

همزمان افزایش جرائم منتسب به بخشی از اتباع غیرمجاز -از سرقت‌های خرد تا باندهای سازمان‌یافته، آدم‌ربایی، تعرض و پرونده‌های قتل- لایه‌ای جدید از نگرانی را به جامعه تحمیل کرد. انتشار اخبار این حوادث، به‌ویژه در سال‌های اخیر فضای روانی جامعه را ملتهب و احساس ناامنی را تشدید کرد. تسلط طالبان بر افغانستان و انتشار تصاویر ورودهای غیرقانونی از مرزهای شرقی، این نگرانی را به اوج رساند و پرسش اصلی را پیش‌روی افکار عمومی قرار داد؛ چگونه کشوری با این حجم از تهدیدهای منطقه‌ای، چنین جمعیت بزرگی را بدون کنترل مؤثر پذیرفته است؟

**■ حوادث تروریستی**

ابعاد امنیتی بحران با وقوع حوادث تروریستی پررنگ‌تر شد. مشارکت اتباع غیرمجاز در برخی اقدامات تروریستی از جمله حمله به حرم امام رضا(ع) و حرم شاهچراغ، مطالبه عمومی برای ساماندهی فوری اتباع را به یک خواسته ملی تبدیل کرد. در این میان، حضور گسترده اتباع غیرمجاز در نقش نگهبان منازل، ویلاها و مجتمع‌های مسکونی- حتی در مناطق حساس و مرفه‌نشین مانند لواسانات- پرسش‌های جدی‌تری را مطرح کرد؛ چگونه این افراد بدون راستی‌آزمایی امنیتی، به خصوصی‌ترین فضاهای شهروندان و حتی مسئولان دسترسی داشته‌اند؟ آیا امکان سوءاستفاده سرویس‌های جاسوسی از این بستر، واقعاً مورد توجه قرار گرفته بود؟

**■ شدت گرفتن اقدام‌های کنترلی**

در چنین فضایی اظهارات نادر یاراحمدی، رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در گفت‌وگو با ایسنا، اگرچه حاکی از تشدید اقدامات کنترلی است، اما همزمان اعترافی آشکار به عمق بحران محسوب می‌شود. او با اعلام میانگین حضور حدود ۵ میلیون تبعه افغانستانی در کشور - شامل ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مقیم و حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت شناور - تصویری کم‌سابقه از ابعاد مسئله ارائه داده است. به گفته او، تنها در جریان اجرای طرح اخیر، یک میلیون و ۶۰۰ هزار تبعه غیرمجاز از کشور طرد شده‌اند، رقمی که خود یاراحمدی آن را در سال‌های اخیر «بی‌سابقه» توصیف می‌کند.

**■ چرخه فرسایشی**

با این حال، تأیید بازگشت مجدد بخشی از اتباع طرد شده به کشور نشان می‌دهد سیاست طرد بدون انسداد مؤثر مرزها و ایجاد سازوکارهای پایدار کنترلی به چرخه‌ای فرسایشی تبدیل شده است. خروج روزانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر، در کنار ورود غیرمجاز مداوم، بیش از آنکه نشانه حل مسئله باشد، بیانگر مدیریت بحران در سطح حداقلی است. یاراحمدی تأکید می‌کند که اولویت دولت، ارائه خدمات به اتباع مجاز و تعیین تکلیف نهایی غیرمجازهاست، گزاره‌ای که در ظاهر منطقی است، اما در عمل این پرسش را پررنگ‌تر می‌کند که چرا این تعیین تکلیف پس از چهار دهه، تازه به مرحله اجرا رسیده است؟ تمدیدهای پیاپی برگه‌های سرشماری، استثناهای گسترده و تعلیق تصمیمات سخت، عملاً به تثبیت یک جمعیت خاکستری انجامیده، جمعیتی که نه میهمان است و نه شهروند، اما از بسیاری از امکانات عمومی بهره‌مند می‌شود.

**■ فقدان سیاست مهاجرتی**

واقعیت این است که مطالبه جامعه، نفی کرامت انسانی مهاجران نیست. مسئله اصلی، فقدان یک سیاست مهاجرتی شفاف، قاطع و مبتنی بر قانون است. همان اصلی که خود یاراحمدی نیز بر آن تأکید دارد: هر تبعه خارجی باید شناسنامه‌دار، راستی‌آزمایی شده و تحت نظارت باشد. اقامت قانونی، حقوق قانونی می‌آورد و اقامت غیرقانونی الزام به خروج. قاعده‌ای ساده که در اغلب کشورهای جهان بدون ملاحظه اجرا می‌شود.

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده دلسوزی بی‌قاعده، نه‌تنها به نفع جامعه میزبان نیست، بلکه در نهایت به زیان خود مهاجر نیز تمام می‌شود. ساماندهی اتباع افغانستانی امروز دیگر یک انتخاب سیاسی یا تصمیم مقطعی نیست، بلکه ضرورتی اجتماعی، اقتصادی و امنیتی است. ضرورتی که اگر باز هم به تعویق بیفتد، هزینه‌های آن مستقیماً بر دوش مردم سنگینی خواهد کرد و اعتماد عمومی به کارآمدی قانون را بیش از پیش فرسوده می‌کند.

# آخرین تلاش دختر و پسر برای نجات مادرشان از قصاص

■ **غلامرضا مسکنی**

**در حالی که تنها چند ساعت تا اجرای حکم قصاص باقی مانده بود، آخرین جلسه صلح و سازش با حضور زن محکوم به قتل همسرش و نماینده اولیای‌دم در دادسرای امور جنایی تهران برگزار شد؛ جلسه‌ای پر از اشک، التماس و امید که سرنوشت این زن را به تصمیم نهایی اولیای‌دم، درست پیش از طلوع آفتاب و پای چوبه‌دار گره زد.**

قبل از ظهر دیروز، سه‌شنبه بیست‌وپنجم آذرماه، جلسه صلح و سازش با حضور زن جوانی که چهار سال پیش همسرش را به قتل رسانده‌بود و نماینده اولیای‌دم، در دادسرای امور جنایی تهران برگزار شد. این جلسه در حالی تشکیل شد که قرار است حکم قصاص این زن، امروز چهارشنبه، در زندان قزلحصار کرج اجرا شود.

**■ نامه‌ای برای آخرین امید**

پس از اعلام زمان اجرای حکم، متهم با نگارش نامه‌ای خطاب به قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، درخواست کرد با برگزاری جلسه‌ای دیگر و پا درمیانی دستگاه قضایی، رضایت اولیای‌دم جلب شود. پیش از این، واحد صلح و سازش چندین جلسه با اولیای‌دم برگزار کرده‌بود، اما این تلاش‌ها نتیجه‌ای در پی نداشت و به همین دلیل، جلسه دیروز به عنوان آخرین فرصت صلح برگزار شد.

**■ آغوشی که بوی دلتنگی می‌داد**

ساعت ۱۰ صبح، زن جوان با همراهی دو مأمور زندان وارد دادسرا شد. هنوز قدم‌هایش به اتاق سرپرست دادسرا نرسیده بود که دختری ۱۰ ساله و پسری نوجوان به سویش دویدند و او را در آغوش گرفتند. هق‌هق گریه‌ها فضا را پر کرد؛ فرزندانی که چهار سال بود آغوش مادر را ندیده بودند، آمده‌بودند شاید دل پدربزرگ و مادربزرگ را نرم کنند و مادرشان را از چوبه‌دار نجات دهند.

اما وقتی فهمیدند اولیای‌دم نیامده‌اند و تنها عمویشان در جلسه حاضر است، نگرانی در چهره‌های کوچک‌شان موج زد.

**■ قاضی از شیرینی بخشش گفت**

جلسه با سخنان قاضی محمد شهریاری آغاز شد. او از برادر مقتول خواست به خاطر رضای خدا و آینده فرزندان، از حق قصاص گذشت کند. قاضی به آثار معنوی و مادی گذشت اشاره کرد و از آرامشی که خداوند نصیب صاحبان گذشت می‌کند و گفت بسیاری از خانواده‌ها پس از اجرای حکم قصاص دچار پشیمانی می‌شوند.

**■ اشتباه کردم... به من زندگی دوباره بدهید**

پس از پایان صحبت‌های قاضی، زن جوان با چشمانی اشکبار به پای برادر شوهرش افتاد و با صدایی لرزان گفت: «اشتباه کردم و پشیمانم. به خاطر دخترم و پسرم مرا ببخشید.»

او با اشاره به سختی‌های دوران زندان و مشکلاتی که فرزندانش در این سال‌ها تحمل کرده‌اند، از اولیای‌دم خواست به او فرصت دوباره‌ای برای زندگی بدهند تا بتواند گذشته را جبران کند.

**■ تصمیمی که به فردا موکول شد**

در پاسخ، برادر مقتول اعلام کرد تصمیم نهایی با پدر و مادرش است و او تنها برای حضور در جلسه آمده‌است. به گفته او، پدر و مادر مقتول فردا و در زمان اجرای حکم تصمیم خواهند گرفت که قصاص انجام شود یا از آن گذشت کنند.

**■ ما را دوباره یتیم نکنید**

پس از این صحبت‌ها، دختر و پسر متهم به سوی عمویشان رفتند و از او خواستند به مادرشان فرصت دوباره‌ای برای زندگی بدهد. آنها با گریه می‌گفتند که نمی‌خواهند دوباره یتیم شوند. دختر ۱۰ ساله با صدای بلند گفت اگر حکم مادرش اجرا شود، دیگر توان ادامه زندگی را نخواهد داشت. او گفت حالا که پدر ندارم مادرم را به من ببخشید، چون تحمل بدون پدر و مادر برای من سخت است و بدون آنها می‌میرم.

**■ انتظار تا سحرگاه**

در پایان جلسه، اعضای خانواده زن جوان که در محل حضور داشتند، با چشمانی اشکبار نظاره‌گر بودند و التماس کردند، اما تصمیم نهایی به روز اجرای حکم موکول شد و جلسه صلح و سازش بدون نتیجه پایان یافت. زن جوان دوباره به زندان منتقل شد تا سحرگاه امروز در زندان قزلحصار کرج حاضر شود. اکنون سرنوشت او به تصمیم پدر و مادر مقتول گره خورده‌است؛ تصمیمی که پیش از طلوع آفتاب مشخص خواهد شد.

**■ آغاز ماجرا**

آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ مرد جوانی به نام پیمان در حالی که حال عمومی مناسبی نداشت، از سوی همسر و مادرش به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شد. خانواده او اعلام کردند پیمان در خانه دچار درد شدید در ناحیه قفسه سینه شده و ناگهان حالش رو به وخامت گذاشته است.

با وجود تلاش تیم پزشکی، مرد جوان جان خود را از دست داد. در آن زمان همسر، پدر و مادر پیمان شکایتی مطرح نکردند و گفتند او پیش از این نیز چند بار دچار بدحالی و به مراکز درمانی منتقل شده‌بود. پزشکان علت اولیه مرگ را ایست قلبی اعلام کردند و به همین دلیل، مجوز دفن صادر شد. پیکر پیمان نیز در زادگاهش، یکی از شهرهای غربی کشور، به خاک سپرده شد.

**■ ۲ سال سکوت؛ راز مرگ ناگهان فاش شد**

پس از این حادثه، همسر پیمان به همراه دختر و پسرش در تهران زندگی می‌کرد و مادر و پدر پیمان هر از گاهی برای دیدن نوه‌هایشان به تهران می‌آمدند.

دو سال از مرگ پیمان گذشته بود که در جریان یکی از این سفرها، همسایه خانواده پرده از رازی هولناک برداشت. این زن به مادر پیمان گفت که عروسش با مرد غریبه‌ای در ارتباط است. به گفته همسایه، زمانی که پیمان زنده بوده و به مأموریت می‌رفته، مرد جوانی به خانه آنها رفت‌وآمد داشته و پس از مرگ پیمان نیز همین ارتباط ادامه یافته‌است.

**■ شکایت مادر و ورود پلیس جنایی**

با شنیدن این حرف‌ها، مادر پیمان به دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کرد و با اعلام شکایت، مرگ پسرش را مشکوک دانست. او احتمال داد عروسش با همدستی مرد غریبه‌ای که به خانه رفت‌وآمد داشته، پسرش را به قتل رسانده‌باشد. مادر پیمان از قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل، درخواست نبش قبر کرد. با ثبت این شکایت، تیمی از کارآگاهان به دستور بازپرس جنایی تحقیقات خود را آغاز کردند.

**■ کشف رابطه پنهانی و نبش قبر**

بررسی‌ها نشان داد زن جوان به نام پروین، پیش از فوت همسرش با مردی به نام شهروز ارتباط داشته و این ارتباط پس از مرگ پیمان نیز ادامه یافته‌است.

با به دست آمدن این اطلاعات، دستور نبش قبر صادر شد و جسد پیمان برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی انتقال یافت. گزارش پزشکی قانونی علت مرگ را مسمومیت دارویی اعلام کرد؛ گزارشی که فرضیه جنایت را تقویت کرد.

**■ بازداشت متهمان و اعتراف**

در ادامه، پروین و شهروز به‌صورت نامحسوس تحت‌نظر قرار گرفتند و پس از تکمیل تحقیقات، هر دو به اتهام قتل پیمان بازداشت شدند.

متهمان ابتدا منکر ارتکاب جرم بودند، اما در ادامه پروین لب به اعتراف گشود و به قتل شوهرش اعتراف کرد. پس از او، شهروز نیز نقش خود را در این جنایت پذیرفت.

**■ اعترافات تکان‌دهنده**

پروین در اعترافاتش گفت: «زندگی بدی با همسرم نداشتم، اما کم‌کم اختلاف‌ها شروع شد. اختلاف‌ها بیشتر شد تا اینکه در اینستاگرام با مردی به نام شهروز که کابینت‌ساز بود، آشنا شدم. با او درد دل می‌کردم و او هم همدردی می‌کرد. کم‌کم به او دل بستم و فکر کردم می‌تواند مرا از این زندگی نجات دهد.»

او ادامه داد: «به فکر از بین بردن شوهرم افتادم، اما راهی بلد نبودم. شهروز گفت راهی می‌داند که کسی به مرگ شوهرم مشکوک نشود. دارویی تهیه کرد و گفت آن را در چای یا دمنوش شوهرم بریزم. من هم این کار را کردم و کم‌کم حال پیمان بد شد تا اینکه آخرین بار در بیمارستان جان باخت.»

**■ حکم دادگاه و پایان پرونده**

پس از تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. اولیای‌دم برای عاملان قتل درخواست قصاص کردند.

قضات دادگاه، پروین را به اتهام مباشرت در قتل عمد به قصاص محکوم کردند و شهروز نیز به اتهام معاونت در قتل عمد به حبس محکوم شد. حکم قصاص پس از تأیید در دیوان عالی کشور، برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارسال شد.

بر اساس این حکم، زن جوان قرار است سحرگاه امروز پای چوبه دار برود؛ پایان این پرونده با توجه به جلسات صلح و سازشی که برگزار شده به تصمیم پدر و مادر مقتول بستگی دارد که زن جوان قصاص شود یا به زندگی دوباره برگردد.

## نداشتن کلاه ایمنی جان موتورسوار را گرفت

**رئیس مرکز جامع اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ از مرگ موتورسوار در جریان سانحه رانندگی خبر داد.**

سرهنگ رابعه جوانبخت به «جوان» گفت: حوالی ساعت ۰۳:۳۳ بامداد روز گذشته، یک فقره تصادف منجر به فوت در مسیر جنوب به شمال بزرگراه شهید صیاد شیرازی و در محدوده زیر پل خواجه‌عبدالله رخ داد. وی افزود: در این سانحه، یک دستگاه موتورسیکلت به دلیل عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از تخطی از سرعت مطمئنه دچار واژگونی شد که متأسفانه راننده موتورسیکلت به علت عدم استفاده از کلاه ایمنی و شدت ضربه وارده، در صحنه حادثه جان خود را از دست داد.

سرهنگ جوانبخت در پایان ضمن ابراز تأسف از وقوع این حادثه، بر ضرورت رعایت سرعت مطمئنه و استفاده از تجهیزات ایمنی تأکید کرد و گفت: استفاده از کلاه ایمنی برای راکبان موتورسیکلت نقشی حیاتی در حفظ جان آنان دارد و بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

## «پویش محله پاک»؛ پاسخ اجتماعی ایران به جنگ جهانی مواد مخدر

**نماینده رئیس‌جمهور و دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های سنگینی را برای مقابله با مواد افیونی پرداخته است، از «پویش محله پاک» به‌عنوان ابتکاری اجتماعی، مردمی و فراگیر برای پیشگیری پایدار از اعتیاد و کاهش آسیب‌های موادمخدر در سطح محلات کشور یاد کرد.**

به گزارش «جوان»، دکتر حسین ذوالفقاری در آیین افتتاحیه سلسله کارگاه‌های آموزشی نهضت فراگیر پیشگیری از اعتیاد «یاریگران زندگی» در مشهد گفت: هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از آسیب‌های اجتماعی مصون بداند و اگر قرار باشد جنگی را نام ببریم که ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت کشورها را درگیر کرده باشد، بی‌تردید آن جنگ، جنگ موادمخدر و اعتیاد است.

وی با اشاره به گزارش‌های رسمی اتحادیه اروپا افزود: تاکنون بیش از هزار و ۴۰۰ نوع ماده روان‌گردان در جهان شناسایی شده که این آمار نشان‌دهنده پیچیدگی، تنوع و گستردگی بحران موادمخدر در سطح بین‌المللی است.

وی از برنامه‌ریزی برای تقسیم کار ملی میان دولت، سمن‌ها، خانواده‌ها، مردم و اصناف خبر داد و «پویش محله پاک» را ابتکاری مهم در حوزه اجتماعی دانست و ابراز امیدواری کرد که در حوزه پیشگیری و درمان نیز گام‌های عملی و مؤثری برای کاهش آسیب‌های ناشی از موادمخدر برداشته شود.

## دزد تک‌رو به دام پلیس افتاد

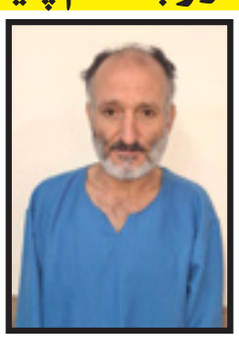

**فرمانده پایگاه هفتم پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری یک سارق حرفه‌ای داخل خودرو در سطح شهر تهران خبر داد و گفت: به دستور مقام قضایی، تصاویر بدون پوشش متهم به‌منظور شناسایی شکات احتمالی منتشر شده‌است.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه کرم سلطانی اظهار داشت: سارق میانسال به‌صورت تک‌نفره و با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت و گاهی با خودرو، عمدتاً در ساعات روز و به‌ویژه در مناطق شمالی شهر تهران اقدام به سرقت می‌کرد.

وی افزود: متهم با شناسایی خودروهای پارک‌شده و بررسی محتویات داخل کابین، در صورت مشاهده اموال باارزش، با شکستن شیشه خودرو اقدام به سرقت می‌کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نخستین سرقت‌های ارتکابی وی به سال گذشته بازمی‌گردد و از همان زمان در دستور کار و تحت تعقیب پلیس قرار داشته تا چندی قبل دستگیر شد.

سرهنگ سلطانی تصریح کرد: تاکنون ۳۰ نفر از شکات این پرونده شناسایی شده‌اند و براساس دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۱۲ تهران، انتشار تصاویر و چهره بدون پوشش متهم با هدف شناسایی سایر شکات احتمالی صادر شده‌است.

وی از شهروندانی که به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند خواست در صورت شناسایی متهم، برای طرح شکایت و پیگیری پرونده به پایگاه هفتم پلیس آگاهی واقع در میدان شوش، خیابان مشهدی حسن، جنب کلانتری ۱۱۶ مولوی مراجعه کنند.

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۳۰۰۸۰۰۶۸۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید سعید کمالی فرزند سید ابراهیم بشماره ملی ۲۸۹۹۲۰۹۴۸۵ صادره از پیرانشهر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۷۷۰ متر مربع تحت پلاک ۳۳۲ فرعی از ۱۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۱۹۵ اصلی واقع در بخش ۱۱ _ ارومیه خریداری از سید ابراهیم کمالی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۹/۲۶
شماره آگهی: ۲۰۶۰۱۱۹
حبیب الهامی
رئیس ثبت اسناد و املاک پیرانشهر

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۱۳۲۱ تاریخ ۱۴۰۴،۲،۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۶۱۹ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای غفور کسلخه فرزند عبدالقادر به شماره شناسنامه ۷۲۱۲ و کدملی ۴۹۷۹۹۲۷۳۰۰ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۲۶،۷۵ مترمربع مفروز ومجزی شده جزیی از پلاک ثبتی شماره ۳ اصلی واقع در آق قلا-اراضی قریه کسلخه بخش ۷ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۹/۲۶
مهناز جهانفر
رییس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا